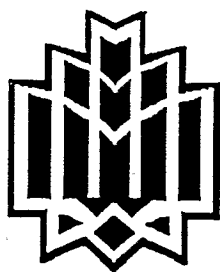


روز غلغلات در کتب علی بن
توسیب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت معلم
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۱ / ۹ / ۲۵

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان

سکینه بنت الحسین (ع) در ادبیات عربی

استاد راهنما

دکتر علی اوسط ابراهیمی

استاد مشاور

دکتر محمد صالح شریف عسکری

دانشجو

رقیه ابراهیمی زاده

۴۲۶۱۴

۱۳۸۱

تقدیم به

چهره ماندگار عرصه علم و فرهنگ

دکتر آذرتاش آذرنوش

و به آنان که روشنگر نسلهايند تا ابد

تشکر و قدردانی

به نام تو ای لطیف جمیل، ای پیدای پنهان و مهربانترین مهربانان، سپاس و ستایش تو ملیک علیم و قدیر را سزااست که خود را گنج پنهان خواندی و به اشتیاق شناخته شدن انسان را آفریدی و او را خلیفه خویش در زمین قراردادی و قلبش را عرش و جایگاه استوار خود. آنگاه دستور خواندن و آموختن و تفکرش فرمودی و سرانجام به آنان که سخن را می شنوند و بهترینش را پیروی می کنند، بشارت دادی.

اگر نبود هدایتها و امدادهای تو پروردگار دانا و توانا این کار هرگز آغاز و انجام نمی یافت. تو بودی که درون ناآرامم را قرار می بخشیدی و توان ماندن و جستجویم می دادی. خدایا زبان و قلم از شکر و سپاس تو عاجز است. پس تنها تو را به پاکی و بزرگی می ستایم و باز لطف و هدایت و یاری خدایی و بی دریغت را طلب می کنم.

انجام این پایان نامه میسر نبود جز با مساعدت و همراهی اساتید فاضل و عزیزانی که اگر چه هرگز نخواهم توانست زحمات و محبتهایشان را جبران کنم، اما سپاس و قدردانی از آنها را فراموش نخواهم کرد:

مراتب سپاس و قدردانی خود را به پیشگاه استاد ارجمند و فرهیخته جناب آقای دکتر علی اوسط ابراهیمی تقدیم می کنم که راهنمایی این پایان نامه را تقبل فرموده و حمایت و راهنمایی های ارزنده شان را از من دریغ نمودند.

پذیرش مشاوره این پایان نامه از سوی آقای دکتر شریف عسکری، استاد فرزانه و فاضل، و شاگردی ایشان برای من افتخاری بزرگ بود. ایشان با صرف وقت و حوصله و با نکته بینی ها و روشن گری هایشان، گره گشای مشکلات بسیاری بودند. راهنمایی های استادانه و بی دریغشان را ارج می نهم و مراتب سپاس و قدردانی خود را تقدیمشان می کنم.

جناب آقای دکتر صدقی، استاد فاضل و دانشمند و ریاست محترم گروه، همواره من و سایر دانشجویان را از راهنمایی های محققانه و کمک های دلسوزانه شان بهره مند کرده اند. زحمات و مساعدتهای خالصانه شان در این گروه را ارج نهاده و صمیمانه از ایشان تشکر و قدردانی می کنم. یادکرد از استاد گرانقدر، زنده یاد مرحوم دکتر علی احمدی بهنام و قدردانی از زحمات خالصانه ایشان بر من واجب است. روح پاک و بلندش قرین رحمت و غفران بی کران الهی و یادش گرامی باد.

یادکرد از استاد گرانقدر، زنده یاد مرحوم دکتر علی احمدی بهنام و قدردانی از زحمات خالصانه ایشان بر من واجب است. روح پاک و بلندش قرین رحمت و غفران بی کران الهی و یادش گرامی باد.

در اینجا قدردانی و تشکر بی پایان و صمیمانه خود را از آقای دکتر آذرتاش آذرنوش ابراز می کنم؛ ایشان با الطاف و راهنمایی های صمیمانه خود در مدت انجام این پایان نامه و پیش از آن، مرا برای همیشه رهین منت خود کردند.

تشکر و سپاس خالصانه خود را به حضور اساتید بزرگوار و فاضل مرحله کارشناسی ام خصوصاً دکتر عدنان طهماسبی تقدیم می کنم؛ ایشان همواره افق های تازه ای را در این رشته، برایم نمایان می کردند.

تصویر پرمهر پدرم و تلاش خستگی ناپذیرش که همواره برای من مایه آرامش روان و آسایش در زندگی و تحصیل بوده، در خاطرم جاودانه است. از درگاه خداوند رحیم برایش رحمت و مغفرت اخروی طلب می کنم.

از مادر مهربان و عزیزم صمیمانه تشکر می کنم، او که نگرانی ها و توجه و تشویق هایش همواره برایم مایه امید و آرامش است.

خواهران و برادران عزیزم خصوصاً احمد، محمد حسین و فاطمه با محبتها، تشویق ها و حمایتهاشان پشتوانه استوار و مطمئن من در تمام مراحل تحصیل و دوری ام از خانه بودند. تا همیشه رهین منتشان هستم و صمیمانه از آنها سپاسگزاری و تشکر می کنم.

از دوستان عزیز و همراهم، خانمها اسفنجانی، چگینی، لاله پور، رودی، کلیچ، فرهنگ، زودرنج، روستایی، برازجانی، علی محمدی، کسایی، حیدری، مراد گنجه ای، عزیزی، طاووسی، علوی، رضائزاد و آقای فرح بخش و همه دوستانی که به نوعی مرا یاری کردند، صمیمانه سپاسگزارم.

از مسئولان و کارکنان کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به خاطر مساعدت در دستیابی به منابع و همچنین از آقای ایرانی در نشر میراث مکتوب به خاطر نظرات ارزشمندشان و در اختیار گذاشتن یک کتاب مهم مورد نیاز، صمیمانه قدردانی و تشکر می کنم. سلامتی، سربلندی و موفقیت همه این عزیزان را از خداوند متعال خواهانم.

چکیده

درباره زندگی و شرح حال حضرت سکینه (ع) دختر امام حسین (ع) روایتها و گزارشهایی در های تاریخی و ادبی ثبت شده که در برخی از آنها احتمال تهمت و افترا می رود. این روایتها شامل زندگی خصوصی و ازدواج، نقد اشعار شاعران، قدرت نقادی و داوری، حمایت از موسیقی و مغنیان و... می شود. در قرن اخیر روی کردهای متفاوتی نسبت به آن به وجود آمد. برخی همه یا بیشتر این اخبار را درست انگاشته و در کتابهایی چون تاریخ ادب و نقد عربی، تاریخ موسیقی و حقوق زنان به آن استناد کردند. برخی دیگر اما، همه یا بیشتر این اخبار را کذب و نادرست و از ساخته های راویان دانسته اند که به دلایل مختلف به این کار پرداخته اند.

در این تحقیق پس از مقدمه و توضیح موضوع در فصل اول منابع و کتبی که به نحوی این اخبار را در خود دارند، تحقیقات و نوشته های مسلمانان عرب و غیر عرب و خاورشناسان، شناسایی و معرفی شده است. فصل دوم به شرح زندگی و بررسی اخبار مربوط به زندگی و خصوصیات اخلاقی او و آراء موافق و مخالف معاصران در این زمینه، اختصاص دارد. فصل سوم دربرگیرنده اخبار ادبی و نقدهای او و روایتهای غنا و ادب است که در مورد ایشان نقل شده است. در فصل چهارم تحقیقات و بررسی های معاصر و جدید و آراء و دلایل افرادی که به رد این اخبار پرداخته اند، آورده شد.

این تحقیق می تواند، آغازی باشد برای بررسی بیشتر و گسترده تر صاحب نظران و دانشمندان حوزه و دانشگاه تا با شناخت کاملتر منابع بتوانند به زدودن شائبه ها و تهمتهایی که برخی با توسل به این گونه اخبار در صدد الصاق آن به اعتقادات مسلمانان و ساحت ائمه اطهار (س) هستند، پردازند.

کلید واژه ها:

سکینه، منابع، ازدواجها، اخلاق و منش، مجالس ادبی، نقد شعر، شعر دوستی، غنا و آواز، تحقیقات جدید، روایتها و راویان، اخبار ساختگی، پاسخها.

فهرست مطالب

۱مقدمه
	فصل اول
۵مأخذ شناسی
	فصل دوم
	اخبار زندگی و شرح احوال سکینه و آراء معاصران در این زمینه
۱۹تقویم تاریخی سالهای ۶۵- ۱۱۷
۲۱نام سکینه
۲۳تولد و مادر سکینه
۲۷ایات امام حسین (ع) در اظهار علاقه به سکینه
۲۹در کربلا
۳۲دوران بزرگسالی و ازدواج
۳۳نگاهی به روایتهای مربوط به ازدواج سکینه
۳۶بررسی روایتها
۴۳عبدالله بن حسن (ع)
۴۵مصعب بن زبیر
۵۰عبد الملک بن مروان
۵۱عبد الله بن عثمان بن عبد الله بن حکیم
۵۳اصبغ بن عبد العزيز
۵۵زید بن عمرو (یا عمر) بن عثمان
۶۴نظرات و پژوهشهای معاصران در باره ازدواج سکینه

۶۹ آراء و دلایل مخالفان این روایتها.
۷۰ فرزندان سکینه
۷۲ روایتهایی از اخلاق و منش سکینه
۷۶ سکینه و عایشه دختر طلحه
۷۸ سکینه و احوص انصاری
۸۰ سخنان تأثیر گذار سکینه
۸۱ سخنان منسوب به سکینه
۸۳ رویارویی با رؤسای حکومتی
۸۵ سکینه راوی حدیث
۸۶ وفات و مدفن سکینه
۹۰ توصیفات مورخان از سکینه

فصل سوم

روایتهای نقد سکینه بر اشعار شاعران

۹۶ نقد اشعار گروهی از شاعران
۱۰۹ یک روایت دیگر
۱۱۱ شباهت نقد سکینه با زنی دیگر
۱۱۳ شباهت نظرات سکینه با نظر عموم
۱۱۵ نقد ابیات فرزددق
۱۱۸ نقد ابیات کثیر
۱۲۰ شباهت نقد سکینه بر ابیات نصیب با اظهار نظرات دیگران
۱۲۱ نقد سکینه بر ابیات عروه بن اذینه
۱۲۴ نقد ابیات عرجی
۱۲۶ سکینه و عمر بن ابی ربیع

۱۳۳ روایتهای غنا و مغنیان
۱۳۴ داوری میان مغنیان
۱۳۶ غریض
۱۳۷ حنین
۱۳۸ ابن سریج و عزه میلاء

فصل چهارم

پژوهشها و نظرات معاصران

۱۴۰ معرفی اجمالی پژوهشها و نظرات کنونی
۱۴۴ آراء و تحلیلهای موافق روایتهای مذکور
۱۵۲ پژوهشها و دلایل مخالفان روایتهای مذکور
۱۶۲ بحث و پیشنهاد
۱۶۶ خلاصه به زبان عربی
۱۶۷ پیوستها
۱۷۴ منابع عربی و فارسی
۱۸۶ منابع لاتین

شاید در نگاه اول انتخاب چنین موضوعی به ویژه از سوی کسانی که آشنایی چندانی با تاریخ و ادب عربی ندارند شگفت نماید. برخی نیز چنین پندارند که مگر حضرت سکینه (س) دختر امام حسین (ع) در دنیای ادب هم وارد شده و اساساً چرا در میان تمامی زنان مسلمان سکینه برگزیده شده است. می دانیم که در ادب قدیم عرب همواره زنان نه به عنوان ادیب و شاعر برجسته بلکه در مقام عرائس الشعر و محبوبه های شاعران ظاهر شده اند، گرچه زنان شاعر نیز یافت می شوند اما کمتر زنی را می بینیم که آراء و نظرات ادبی اظهار کرده باشد.

نام سکینه را در برخی کتاب های تاریخ عربی به عنوان چنین زنی دیده و مطالبی در این زمینه خوانده بودم. حس کنجکاوی و نیز دلایلی که بدان اشاره خواهم کرد باعث انتخاب این موضوع بود. در ابتدای کار می پنداشتم تعداد منابع اندک باشد اما پس از جستجوی بیشتر و با توجه به اینکه به کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی دسترسی داشتم، متوجه شدم که تعداد منابع بسیار بیشتر از حد تصور است و مورخان تاریخی و ادبی در آثار خود به مناسبت، اخبار کوتاه و بلند یا منفرد بسیاری درباره او نقل کرده اند و این امر نشان از اهمیت و جایگاه خاص او نزد آنان دارد. در همه این منابع از وی به عنوان زنی پرهیزگار و عفیف و پاکدامن، شریف، محترم و بزرگوار، ادیب، دانشمند، خردمند و شعر شناس یاد شده است. نام و اخبار سکینه به همان میزان که در کتاب های تاریخی دیده می شود در منابع ادبی نیز مطرح است. حتی در کتابهای تاریخی نیز جنبه ادبی اخبار او جلوه می کند.

بذل چنین توجهی در امهات منابع تاریخی و ادبی به یک شخصیت زن آن هم نه یک زن معمولی بلکه زنی از خاندانی محترم و برجسته در میان مسلمانان بسیار قابل توجه است. او از معدود زنانی است که مورخان، لااقل ذکر تاریخ وفاتش را از یاد نبرده اند.

نویسندگان و پژوهشگران معاصر مسلمان و غیر مسلمان از این اخبار غافل نبوده و وجود چنین اخباری در مورد یک زن را مغتنم دانسته و برای تفسیر و تحلیل برخی آراء خود در مورد حقوق و جایگاه زن در جامعه به او استناد کرده اند. آنان از حضور چنین بانویی در آن برهه از تاریخ اظهار خوشحالی و شگفتی و تحسین می کنند. حتی در شبکه جهانی اینترنت نیز می توان گزارشهای گوناگونی در این مورد بدست آورد.

بعضی محققان و نویسندگان مسلمان، پس از مطالعه و تحقیق، این اخبار را ساخته و پرداخته دشمنان و مخالفان و کینه توزان ائمه(ع) دانسته اند، زیرا معتقدند چنین اموری شایسته زنی از خاندان نبوت نیست و دختر و پرورده امام معصوم هرگز خود را به امور دنیایی و غیر دینی مشغول نمی کند.

دسته ای نیز بر این باورند که دختر امام حسین(ع) در هنگام اسارت یا مدت کوتاهی پس از آن در گذشته است. یا تصویر زنی همیشه گریان و ترسان و ضعیف که همواره نیاز به دستگیری دارد؛ از او در ذهن داشته اند، درست مثل تصویری که عوام با لقب بیمار از امام زین العابدین(ع) دارند و همیشه ایشان را در حالت عجز و ضعف و بیماری می بینند.

آگاهی نسبی از اخبار تاریخی و وجود چنین دیدگاههای متناقضی مرا به تحقیق و جستجو در منابع وا داشت؛ شاید بتوان با ارائه یک تحقیق جامع، لااقل تصویری روشن از چگونگی این اخبار به دست آورد و با جمع آوردن همه آنها راه را برای ارائه نظر و داوری دانشمندان، محققان و صاحب نظران کوتاه کرد و نیز راه را بر بسیاری سوء استفاده ها و غرض ورزی ها و کج اندیشی ها بست. گرچه تاریخ همیشه صادق نیست و نمی توان آنرا چشم بسته پذیرفت و همواره غرض ورزی ها و وابستگی های فکری و سیاسی و... برخی راویان و مورخان و افسانه های افسانه پردازان، مانع شفاف شدن واقعیت بوده است؛ اما این موانع نباید باعث عدم علاقه و تلاش برای بررسی و تحقیق یا حداقل مطالعه و آگاهی شود.

اگر چه حجم اخبار کم و پراکنده است و به کمتر از سی صفحه می رسد، اما همین اخبار کم را می توان در چندین منبع متفاوت خواند. در حین جستجو متوجه شدم برخی سخنان و اخبار متناسب به سکنه در مورد زنان و افراد دیگری نیز وارد شده، لذا بر آن شدم تا بار دیگر بیشتر منابعی را که تا آن زمان دیده بودم، بررسی کرده و روایات مشابه را استخراج کنم. این کار را در ادامه تحقیق نیز دنبال کردم. مشکل دیگر حجم کم و تکرار و پراکندگی اخبار منفرد و گاه تناقضهای شدید آنها بود. کتابهای متقدم شرح حالی پیوسته از او ارائه نمی دهند، تاریخ وقوع بسیاری حوادث و اخبار مشخص نشده و برای دنبال کردن تاریخی وقایع لازم بود که قرائن تاریخی موجود در هر خبر مورد توجه قرار گیرد. پس از دنبال کردن چند روش به این نتیجه رسیدم که روایتهای مربوط به هر موضوع را به ترتیب تاریخی مرتب کرده و تغییرات هر یک را در طی زمان

لحاظ کنم. در پایان آراء مختلف معاصران را یاد آور شده ام و در خلال یا پایان هر خبر سلسله اسناد را آورده ام تا به روشن تر شدن موضوع کمک نماید.

در ابتدا ممکن است به نظر رسد که این کار تنها نقل اخبار است ولی توجه به کمیت و کیفیت نقل روایتها و تغییرات آن در گذر زمان، خود اهمیت موضوع را در نظر تاریخ نگاران بیشتر می نماید، خصوصا که اکثر این اخبار پراکنده و منفرد هستند. بنابراین در این تحقیق بیشتر بر جمع روایتهای پراکنده و منفرد و اتصال آنها به یکدیگر و تعیین و بیان سیر تاریخی روایتها و نظرات و دیدگاههای گوناگون پیرامون موضوع تاکید شده است. در این تحقیق منابع تا قرن ۱۳ مورد استناد قرار می گیرد و مطالب دایره المعارفها و کتابهای معاصر تنها بیان و بررسی یا نقد می شوند.

از آنجا که تاریخ وقوع بسیاری جریانات به طور دقیق مشخص نیست و با توجه به اینکه در این اخبار نام خلفا و اشخاص مهم تاریخی مطرح شده و دانستن و تعیین تقریبی تاریخ وقایع به بررسی دقیقتر کمک شایانی می کند، پیش از ورود به بحث اصلی جریانهای مهم تاریخی سالهای ۶۵-۱۱۷ ق را آورده شده تا در خلال بحث از آن استفاده شود (سالها به تاریخ قمری است). در پایان و در قسمت پیوست شرح حال بعضی اشخاص مربوط به موضوع تحقیق آورده می شود.

فصل اول

مأخذ شناسی

مأخذ شناسی

نام سکینه و اشاره های کوتاه و بلند به شرح حال و اخبار او در منابع متعدد تاریخی، انساب، ادبی و گاه لغوی وارده شده است. این اخبار و اطلاعات غالباً تکراری است به گونه ای که جمعاً به کمتر از ۳۰ صفحه می رسد. منابع موجود را می توان به تاریخی و ادبی، متقدم و متأخر تقسیم کرد. تنوع منابع در هنگام بررسی بیشتر ملاحظه خواهد شد.

اگر چه بیشتر منابع تنها به ذکر پاره ای اخبار کوتاه و منفرد بسنده کرده اند و هر یک گاه به تناسب نوع کتاب یا موضوع مورد بحث خود، خبری درباره سکینه وارد کرده اند، اما گاه همین روایتهای منفرد و گذرا می تواند نقاط ابهام و خالی بسیاری را روشن کند. این پراکندگی و تکرار اخبار در ابتدا امر تحقیق را دشوار و پیچیده جلوه می دهد، ولی در عین حال می تواند برای مقایسه و بررسی دقیقتر مفید واقع شود.

از سوی دیگر پرداختن به اخبار سکینه و یاد کرد او در این تعداد منابع و در عصر حاضر در کتابها و پژوهشهای معاصران و حتی شبکه اینترنت، بیانگر اهمیت شخصیت و جایگاه خاص او نزد مورخان ادبی و تاریخی و معاصران ماست. شاید در میان اخبار مربوط به زنان، لااقل کمیت اخبار مربوط به او را به عنوان زنی که در قرن اول هجری می زیسته، بتوان قابل توجه دانست.

از قرن ۳ تا ۱۳ هجری هیچ کتاب مستقلی به شرح حال و اخبار او اختصاص داده نشده است و به دلیل پراکندگی اطلاعات در منابع مختلف لازم بود، ابتدا همه را تا حد امکان جمع آورد. در این تحقیق با توجه به توانایی محدود خود کوشیده‌ام این کار را انجام دهم، اگر چه کاستی های آن بسیار محسوس است.

پیش از ورود به بحث اصلی ابتدا درونما و پیشینه ای از چگونگی گزارشها و اطلاعات و در واقع مأخذ شناسی موضوع آورده می شود.

اخبار سکینه را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- شرح زندگی خصوصی

۲- اخبار ادبی

این اخبار در کتابهای ادبی، تاریخی و مقاتل ثبت شده اند، تفصیل بیشتر پس از این خواهد

آمد.

ابومخنف (م ۱۵۸) در «مقتل الحسین (ع)» از او تنها، در شمار اسیران کربلا نام می برد.

کلبی (م ۲۰۴) در «جَمَهْرَةُ النَّسَبِ» تنها به نام یکی از همسران او اشاره ای گذرا دارد.

اما مدائنی (م ۲۲۵) در «الْمُرَدِّفَاتِ مِنْ قُرَيْشٍ» اولین کسی است که گزارشی کوتاه و جامع از زندگی او ارائه می دهد. چنانکه از نام کتاب پیداست نکته اصلی در این شرح حال به تناسب موضوع کتاب ازدواجها و همسران او بوده است. مدائنی چند گزارش کوتاه از خصوصیات اخلاق فردی و اظهار نظر ادبی او نیز آورده است. این کتاب کمتر از یک قرن پس از وفات سکینه نگاشته شده است.

ابن سعد (م ۲۳۰) در «الطَّبَقَاتِ الْكُبْرَى» شرح حال خصوصی و چگونگی وفات او را به طور مختصر ارائه می دهد. وی در جای دیگر از او تنها در میان زنانی که با واسطه از پیامبر (ص) حدیث روایت کرده اند، نام می برد.

مصعب زبیری (۱۵۶-۲۳۶) در «نَسَبِ قُرَيْشٍ» تنها همسران سکینه را بر شمرده و ایاتی از امام را درباره او و مادرش، برای اولین بار نقل می کند.

خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰) در «تاریخ خلیفه» اولین کسی است که تاریخ وفات او را به طور دقیق ذکر می کند.

ابن حیب (م ۲۴۵) در «الْمَحَبَّرِ» همسران او را در بخش «اسماءٌ مِنْ تَزْوِجِ ثَلَاثَةِ أَزْوَاجِ فَصَاعِدًا مِنَ النِّسَاءِ» بر می شمارد.

زبیر بن بکار (۱۷۲-۲۵۶) در «جَمَهْرَةُ نَسَبِ قُرَيْشٍ» تنها به نام یکی از همسران او حادثه ای از زندگی خصوصیش اشاره کرده است.

بخاری (۱۹۴-۲۵۶) در «التاریخ الصغیر» بار دیگر نام همسرانش را به ترتیب بر می شمارد.

ابن قتیبه (۲۱۳-۲۷۶) در «الشعر و الشعراء» سه خبر در مورد برخورد با شاعران و نیز سخن بلیغ او به کوفیان پس از قتل همسرش ارائه می دهد. وی در «عیون الاخبار» دو خبر دیگر از زندگی خصوصی و ادبی او و در «المعارف» چند روایت متناقض در مورد ترتیب همسرانش وارد می کند.

عیبدلی (۲۱۴-۲۷۷) در «الخبر الزینبات» نام او را در شمار همراهان حضرت زینب (س) در

سفر به مصر آورده است. اما منابع بعدی به این موضوع اشاره ای نکرده اند.